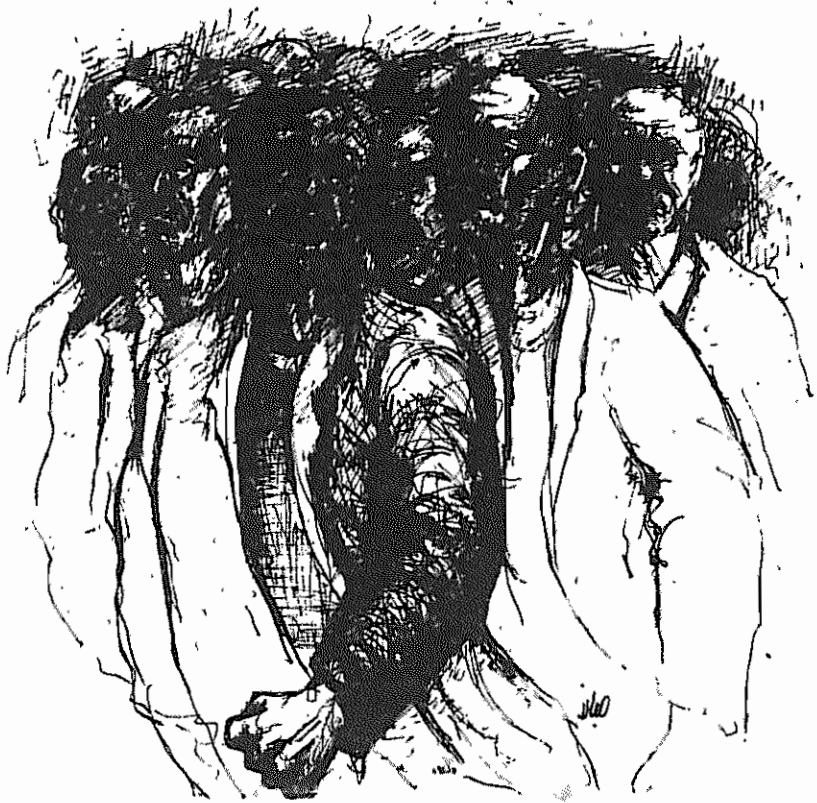


پیام اتحادیه کمونیستهای ایران به کارگران ایران به مناسبت روز جهانی کارگر



کارگران قهرمان عید جهانی کارگری بر شما مبارک و پیروز باد!

۱۱ اردیبهشت، که روز همبستگی کارگران سراسر جهان است، با یادرزاده مه و گسترش مبارزه ضد امپریالیستی - ضد آمریکا و پیروزی سرمایه داران است، بهمین ترتیب هم بدون اتحاد کارگران سراسر جهان نمیشود سرمایه داری جهانی، این بزرگترین دشمن بشریت، پیروز نشد. اول ماه مه، روزا علام همبستگی کارگران سراسر جهان بر علیه سرمایه داری جهانی و همسره ستکران جهان میباشود بهمین دلیل است که کارگران سراسر جهان آنرا جشن میکنند. این جشن، جشن کارگری و روزا سلام همبستگی و اتحاد کارگران سراسر جهان است.

جهان نیز با یادرزاده مه و گسترش مبارزه ضد امپریالیستی - ضد آمریکا و پیروزی سرمایه داران است، بهمین ترتیب هم بدون اتحاد کارگران سراسر جهان نمیشود سرمایه داری جهانی، این بزرگترین دشمن بشریت، پیروز نشد. اول ماه مه، روزا سلام همبستگی کارگران سراسر جهان بر علیه سرمایه داری جهانی و همسره ستکران جهان میباشود بهمین دلیل است که کارگران سراسر جهان آنرا جشن میکنند. این جشن، جشن کارگری و روزا سلام همبستگی و اتحاد کارگران سراسر جهان است.

۱۱ اردیبهشت (اول ماه مه) هر سال، روز جهانی کارگران و عید کارگری است. کارگران سراسر جهان، سالهاست که این روز را براساس یک سنت تاریخی و مبارزاتی طبقه کارگر جشن میگیرند و در این روز همبستگی مبارزاتی و جهانی خویش را بنمایش میگذارند. این روز، روز جهانی کارگران است، زیرا کارگران سراسر جهان برادر و همزنجیر و همدرد یکدیگرند و بدست دشمنان یکمانند است. آنها روغارت میشوند. همان سرمایه - دارانی که دسترنج کارگران آمریکایی و اروپایی را میزدند، کارگران ایرانی و عرب و هندی را نیز چپاول میکنند. سرمایه داران سراسر جهان همدست و شریک یکدیگرند و در چپاول و سرکوب کارگران با یکدیگر همکاری میکنند و در نتیجه کارگران سراسر

۱۱ اردیبهشت و وظایف کارگران در انقلاب کنونی

مرگ بردشمنی و نقار میان کارگران ملیت های گوناگون و مذا هب گوناگون! این دشمنی تنها میتواند به سود غارتگران و ستمگرانی باشد که از قبل نادانی و تفرقه - پرولتاریا زندگی میکنند.

و ای لینین

ملک و فرقه ای که باشند، در نبرد مسترک طبقاتی تا مین و حفظ کنند و به دست آموزان طبقه سرمایه دار، به نوکران اعیان و ثروت - مندان، و همچنین به فرقه بازان و اندرز - گویان نادان خویش اجازه تفرقه اندازی و فتنه سازی ندهد. در کشور ما امروز رویدادهای بزرگی در شام ظاهر میشوند و لحظات حساسی سیری می - گردد. ما در جریان انقلاب بزرگی هستیم که پس از سرنگونی حکومت سفاک محمد رضا خانی اکنون وارد دوره جدیدی شده و مسائل و مشکلات تازه ای در مقابل دارد. نظریات سلطنتی خون آلودی که امپریالیستها بخصوص امریکای قدرتمند سفاک آمریکا به کمک مبارزان و نوکران نشان برای غارت مردم ساخته بودند، با ضربات کوبنده قیام متحدانه خلق فروریخت و سردمداران رژیم سلطنت و کما شکان امپریالیستها یا بقرا رنبا ده و یا بعضا به تلبه افتادند. مردم آزاد دنیا بی را بدست آوردند و کار بزرگی در راهائی شان برداشته شد. لیکن توده های مردم هنوز جا کمیت نیافته و شرایط یک دموکراسی توده ای که حافظ منافع کارگران و دهقانان باشد و شرایط رشد مستقل کشور و شکوفائی اقتصادی و اجتماعی آن به دست نیامده است.

طبقات مرفه سرمایه دار، که با جسد نظام خون آلود سلطنت با ضربات کوبنده قیام متحدانه خلق فروریخت لیکن توده های مردم هنوز جا کمیت نیافته و شرایط یک دموکراسی توده ای که حافظ منافع کارگران و دهقانان باشد و شرایط رشد مستقل کشور و شکوفائی اقتصادی و اجتماعی آن بدست نیامده است. جهاد فراوان برای انحصار قدرت حاکم در دست خویش تلاش میورزند، کار را انقلاب را خاتمه یافته تلقی کرده سیاست و قانون خود را بر جا معتمد می کنند، بر اثر انقلاب قدرت حاکم قدیمی که مطلقا در دست منشیان و اشراف زمینداران بزرگ نیمه فئودال و سرمایه - داران بزرگ دلال بسرگردگی دریا ریخته - سوی بود، بر افتاد؛ ولی در نظام قدرت دولتی - بقیه در صفحه ۲

طبقه کارگران ایران که شایستگی و قهرمانی خود را در انقلاب بزرگی به اثبات رسانده... امروز با تکالیف خطیری روبروست. ما در پی پیچیدگی انقلاب و در زمان حساسی از تاریخ ما سرکشور خود را مبرمیداریم. صف آگاه طبقه کارگر با یادرزاده مه و روشن و هشیار باشد!

عید بزرگ کارگران سراسر جهان فرا میرسد، عیدی که طی بیش از صد سال نبرد طبقه کارگر جهانی برای رهایی بشریت ستدیده و تا بودی ستم و بهره کشی در آتش و خون برقرار و با منت آنتین وحدت کارگری با یادرزاده مه است. با زده ماه اردیبهشت روزی است که همه کارگران، همه آنها بی که با کار خود - سرخ زندگی جا معمر میجرخانند ولی میوه رنج و زحمتشان را اعیان و طبقات ثروتمند غارت میکنند، به خبا با آنها میا بندوبیمان دیرینه خود را برای نبرد با هرگونه ستم و بهره کشی، بیداری و آگاهی خود را به حقیقت و آزادی واقعی و سوگند خود را به حفظ و تحکیم وحدت طبقه خویش با یاد ورمینونند.

طبقه کارگران ایران که شایستگی و قهرمانی خود را در انقلاب بزرگی به اثبات رسانده و با یادرزاده مه و گسترش مبارزه ضد امپریالیستی - ضد آمریکا و پیروزی سرمایه داران است، بهمین ترتیب هم بدون اتحاد کارگران سراسر جهان نمیشود سرمایه داری جهانی، این بزرگترین دشمن بشریت، پیروز نشد. اول ماه مه، روزا سلام همبستگی کارگران سراسر جهان بر علیه سرمایه داری جهانی و همسره ستکران جهان میباشود بهمین دلیل است که کارگران سراسر جهان آنرا جشن میکنند. این جشن، جشن کارگری و روزا سلام همبستگی و اتحاد کارگران سراسر جهان است.

دشمنان دوست نمای طبقه کارگر را بشناسیم

۱۱ اردیبهشت و وظایف صبحه کارگر

سبب از محافل گذشته و اجزای اساسی آن مانند ارتش، معیاری اساسی روی ندادن و مناسبات اقتصادی و اجتماعی ضد خلقی و ستمگانه سابق همچنان با برجام نده است. زمینداری نیمه فئودالی در روستاها و وابستگی های کوربه امیریا - لیسیم هنوزنا بودم کرده و زحمتکشان کوربه حقوق دمکراتیک خود نرسیده اند، بای مدرسه های امیریا لیستی و سوسیال امیریا لیستی علی الخصوص آمریکا و ایادین از کورما قطع نشده و راه توطئه و تحریک آنها و نفوذ طلبی آنها در جامعه ما همچنان با زاست، گرفتاری انقلاب ما از اینجا است که حکومت فائونوسی کور عملا بدست محافل و نیروهای لیبرال و سازشکار سرمایه داری ملی افتاده و سیاستمداران این بورژوازی با مطالبات اساسی کارگران و دهقانان مخالفت دارند و از عمیق شدن انقلاب وحشت دارند. آنها میترسند که انقلاب توده ها پس از ریشه کن ساختن منافع اقتصادی و وابسته های قدرت سرمایه داران و باکارتگران و دهقانان و توده فقیر زده کتسور پای خود ایشان را هم بگیرد و سرمایه دارانی آنها را هم صاف دره کند. اینست که محافل سازشکار بورژوازی و حکومتشان روش مدارا جویانه را در برابر امیریا لیسم و با بر قدرتها تجویز میکنند و میکوشند تا از خوردن نظام ارتجاعی و بوروکراتیک گذشته و حل انقلابی مسالسه زمین بفتح دهقانان، قطع کامل وابستگیها و سرکوب توده های ایادی ارتجاع و امیریا لیسم و برقراری آزادی کامل برای مردم طفره روتد و انقلاب را در نیمه راه متوقف سازند.

با اینحال توده های ملت ما بهیچ رو تسلیم حکام جدید نشده و به مبارزه برای بدست آوردن آزادی و استقلال کامل و دادگاه انقلاب خود ادامه میدهند و به اشکال مختلف با اقدامات ضد انقلابی و محافظه کاری، حکومت جدید ضدیت نشان میدهند.

مبارزه کارگران برای تشکیل شوراهای اتحادیه های کارگری و نظارت نما - یندگان کارگران بر مدیریت و اداره کارخانه نجات، برای یک قانون کار عادلانه، برای خلق پیمانها و قراردادهای وابسته و کسب موسسات تولیدی کشور از ایادی امیریا لیسم و نوکران رژیم گذشته با شدت ادامه میدهند. در همه بخشهای جامعه مبارزه برای دگرگون سازی نظامات نواستعماری و ضد خلقی گذشته، تصفیه و جابجایی عوام مل فساد و خرابی و استبداد محمد رضا خانی و تشکیل شوراهای ادمه رده و با اقدامات بوروکراتیک و سیاست های ضد انقلابی حکام جدید دست و پنجه نرم میشود. انقلاب به روستا های ایران بیش از پیش رخنه کرده، توده دهقانان را به مبارزه برای نسا - بودی نظامات غارتگرانه نیمه فئودالی، در هم شکستن قدرت خانها، ملاکان و دسته های جیره خوار آنها و برای زمین و آزادی و تشکیل شوراهای دهقانی برانگیخته است. مبارزه مصرانه گروههای اجتماعی مختلف در موسسات مختلف، کشوری و لسگری و مبارزه توده مردم در شهرها و دهات برای تشکیل شوراهای اداره شورائی اموریانگرا شتیاقی توده های کشور ما به دخالت مستقیم در تصمیم گیری و تعیین مقدرات جامعه و کشور خویش و بستن راه هرگونه بازسازی استبداد و انحنا و قدرت در دست اقلیتی خاص است. این انتیاتی توده های برای نظام مشورت و شورائی در کارها در همین سطحی که به اشکال مختلف و با افت و خیز جریان دارد نشان وجود یک روحیه انقلابی و تمایل باطنی به پایداری یک نظام قدرت

واقعا توده های و ملهم را را ده و خواستار خرابیت انبوه مردم میباید و حرکت دیوانسالارانه بورژوازی و محافل تازه بنیاد رسیده، که جدا کنتریک نظام سسها زبده را رلماسی غرب را به مردم وعده میدهند و در برده آن قدرت دولتی را به انحصار طبقات مره جا معه در می آورند، مدبندارند.

انقلاب در مردم ملیت های غیر فارس نیز تکان تازه ای پدید آورده و آنان را بمبارزه برای رفع ستم ملی و تبعیض سیاسی و فرهنگی و بی عدالتی های که پیش از مهال نظام و حنیبا به پهلوی برجام مع جدید ملیتی ماسخیل کرده بود برانگیخت. هر چند در برخی نقاط حاشیا و ایادی وابسته به بیگانها بهره گیری از سیاست های مدد مکر تیسک و فتنه جویانه مقامات تهران سعی در ایجاد اغتشاش و انحراف در مبارزه توده های محروم کردند، لیکن در نقاط دیگری چون کردستان جنبش وسیع دمکراتیک جریانی یافت و توده مردم قاطعا نه در برابر تحریکات و تشویشات مقامات سازشکار تهران، فرماندها ارتش و ارتجاع محلی بدست آورده های انقلابی سان ایستادگی نشان دادند.

انقلاب مردم بطور اجمالی با پذیرش با منافع قدرتها امیریا لیستی علی - الخصوص آمریکا، که به ایران بعنوان پایگاه و منطقه نفوذ خود نگاه میکند، تلافی دانست. شعرتوده انقلابی مردم در همان فردای قیام بهمین این بود که پس از ناهو بیت آمریکا ست، با دیده جولاندهی و نفوذ و یغما گری امیریا - لیستها و مبارزان بومیسان پایانه داد، راه خود، قراردهای اقتصادی و نظامی و فرهنگی

گرفتاری انقلاب ما از اینجا است که حکومت فائونوسی کور عملا بدست محافل و نیروهای لیبرال و سازشکار سرمایه داری ملی افتاده ... آنها میترسند که انقلاب توده ها پس از ریشه کن ساختن منافع اقتصادی و وابسته های قدرت سرمایه داران و ملاکان و خانها را هم صاف دره کند. اینست که محافل سازشکار بورژوازی و حکومتشان روش مدارا جویانه را در برابر امیریا لیسم و بر قدرتها تجویز میکنند و میکوشند تا از خوردن نظام ارتجاعی و بوروکراتیک گذشته ... طفره روتد و انقلاب را در نیمه راه متوقف سازند.

رژیم گذشته با بر قدرت ها و سازشکارهای امیریا لیستی افشاء و لغو کردند و ایران راه رشد مستقل و آزادی خود را در پیش گیرد. لیکن حکومت موقت و مقامات دولتی بعدی بجای گام نهادن در این راه، که ادامه منطقی انقلاب بود، خلاف آنرا پیموده و راه سازش با آمریکا و مدارا جوی با قدرت های امیریا - لیستی را در پیش گرفتند و حتی در باره منافع آنها در کشور و منافع سرمایه دارانی فرارزی و وابسته به آنها تضمیناتی دادند. درحالی که محتوای عمیقاً ضد امیریا لیستی و رها بی بخش انقلاب مردمی با این مناسبات و سازشکاری تضادی خصمانه داشت و توده های وسیع مردم قاطعا نه خواهان به ترمیم نیدن انقلاب در تمامی محتوای آزادی بخش آن بودند. این بود که به مجرد آنکه جرقه نبرد با امیریا لیسم جنانیتکار آمریکا بی با تسخیر لانه جاسوسی در تهران زده شد، توفانی از لوله بیگانه روجو - یانه همه جا معرا فرا گرفت و توده مردم جنبش عظیمی علیه آمریکا و سیاست سازشکاری و مناسبات با آن برخاستند. خیزش امیریا - لیستی انقلاب ایران بر همه کشورهای غارت شده منطقه اثر نیرومندی نهاد و مردم ایران نشان دادند که هر چه سازش و تسلیم نبوده و برای حفظ و تکامل دستاوردهای انقلاب خود را ضربه مقابله خصمانه با رتکران جهان هستند.

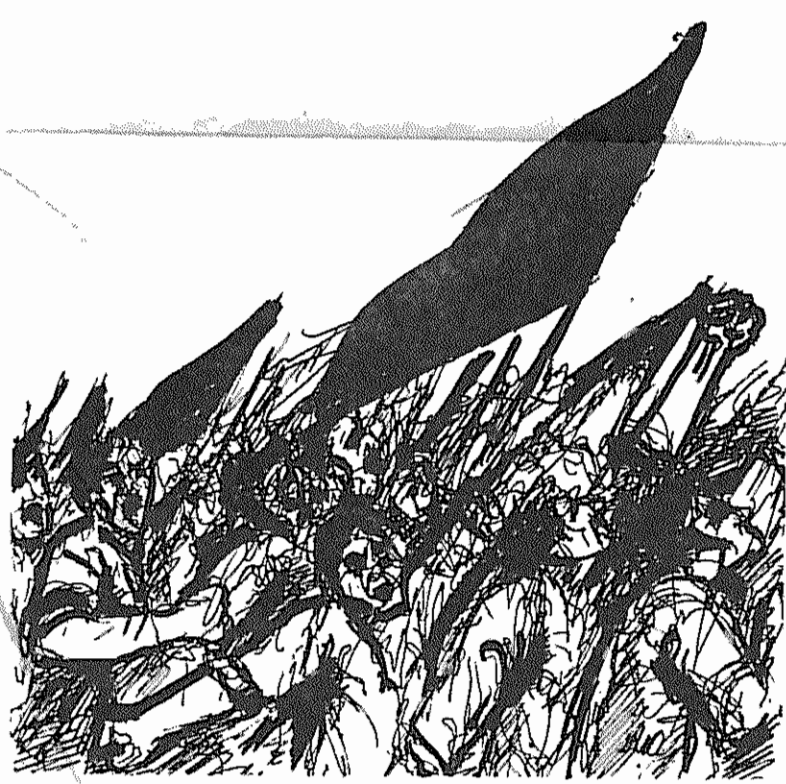
الخصوص برچم نبرد ضد امیریا لیستی مردم را در اهتزاز نگه داشت. آبان با دیده مقابله با سیاست های سازشکارانه حکومت برخیزند، با کارکنی ها و تشیبات ضد انقلابی و عوام - فریبی های بورژوازی محافظه کار و سیاستمداران آن برای ایجاد انحراف در جنبش ضد امیریا لیستی خلق و به شکست کشاندن آن صورت میگیرد، مبارزه کنند. و ضمناً با آن خط می های انحرافی که بنا مدوستی با طبقات کارگر کارگران آگاه ما را به کناره گیری از نبرد عمومی ضد امیریا لیستی فرا میخوانند و عملاً برچم مبارزه ملی را بدست بورژوازی و طبقات غیر رنجبری می سپارند، قاطعانه مخالفت و رزند. طبقه کارگر با دید مخصوص با همه نیروهای ملی میهن پرست طبقات دیگر که در جنبش ضد امیریا لیستی شرکت دارند اتحاد کند و قاطعیت و فیرمانی از خود نشان دهد و به لاطا ثلاثی که بر علیه اینگونه اتحادها و برای انحراف طبقه کارگر سروده میشود گوش فراندند. صف آگاه طبقه کارگر باید در برابر آنها ایستادگی کند و آنها را بدست مبارزه ملیت و جنبش عظیمی را که امروز مردم ما علیه امیریا لیسم گذرانده اند، زیر پای رقیبان دوست نمای آمریکا، یعنی سوسیال - امیریا لیسم سفاک روس یکسانند، هوشیار با شو عوام فریبی های دستجاتی از قصابان حزب توده را افشاء سازند. آنها بی که طبقه کارگر ما را به سوسیالیسم دروغین در اتحاد شوروی و مزایای همکاری و اتحاد با دول به اصطلاح سرق فریب میدهند، به طبقه کارگر شوروی که بی از خیانت حکام کرملین به سوسیالیسم دربارت وحشتناکی قرار گرفته است توهین میکنند و مدافع جلادان و سازشکاران مردم شوروی و سازشکارهای با اصطلاح شرقی - اند، آنها مدافع و خواهان تشکیل حکومت دست نشانده ای از قصابان حکومت سفاک افغانستان اند که به با بر طرفداران دروغین طبقه کارگر در مسکو، که در واقع طرفداران استعمار و نظام بردگی مستعمارتی اند، کشوری را به اشغال جکمه یوتان بیگانه گنا نده اند. طبقه کارگر باید قاطعانه بر سیاست استقلال و تکاء بخود در مبارزه بزرگ کنونی با آمریکا ایستادگی کند و به دوست نمایی های ابر قدرت سفاک روس و توهین گران نش توهنی زنده و گمراهان را نیواز گمراهی برهاند.

پرولتاریای آگاه وظیفه دارد که برای جلوگیری از خطراتی که انقلاب را سیاست های ضد کارگری، ۱۷ - آموزش و درمان رایگان، ۱۸ - حق استفاده مساوی از تعطیلات و مرخصی بین کارگران و کارمندان، ۱۹ - نامین مسکن برای کارگران و پرداخت حق مسکن کافی تا زمانیکه مسکن

پرولتاریای آگاه وظیفه دارد که برای جلوگیری از خطراتی که انقلاب را تهدید میکند، بر حفظ و حراست اردت و ردهای قیام بهمین راه و به ترمیم بدن انقلاب دموکراتیک و بی با خیردوبای ایجاد و تشکیلات و آگاه انقلابی در صفوف کارگران و متحدان سیدن و توده های وسیع رجمتکشان شهر و روستا برکورد، این انقلاب را با پیروزی کامل بردن داخلی و خارجی خلق و استقرار کامل نموده ها، و در پی آن سوسیالیسم، هدایت کند.

تهدید میکند، برای حفظ و استازد سواردهای قیام بهمین راه و به ترمیم بدن انقلاب دمکراتیک و ملی بی با خیردوبای ایجاد و تشکیلات و آگاه انقلابی در صفوف کارگران و متحدان سیدن و توده های وسیع رجمتکشان شهر و روستا برکورد، این انقلاب را با پیروزی کامل بردن داخلی و خارجی خلق و استقرار کامل نموده ها، و در پی آن سوسیالیسم، هدایت کند.

تهدید میکند، برای حفظ و استازد سواردهای قیام بهمین راه و به ترمیم بدن انقلاب دمکراتیک و ملی بی با خیردوبای ایجاد و تشکیلات و آگاه انقلابی در صفوف کارگران و متحدان سیدن و توده های وسیع رجمتکشان شهر و روستا برکورد، این انقلاب را با پیروزی کامل بردن داخلی و خارجی خلق و استقرار کامل نموده ها، و در پی آن سوسیالیسم، هدایت کند.



ایجاد نگردیده، ۲۰ - برابری و تساوی حقوق مردان و زنان کارگر و حمایت از زنان باردار و آنهایی که کودکان شیرخوار دارند و رند و ایجا دشیرخوا - کا و مهنگودک در کارخانه ها و مراکز کارگری.

سیاست های ضد کارگری، ۱۷ - آموزش و درمان رایگان، ۱۸ - حق استفاده مساوی از تعطیلات و مرخصی بین کارگران و کارمندان، ۱۹ - نامین مسکن برای کارگران و پرداخت حق مسکن کافی تا زمانیکه مسکن

کارگران ایران، ایران را گورستان آمریکا میکنند! مرگ بر آمریکا، ننگ بر سازشکار!

پیام

اتحادیه کمونیستهای ایران...

سید محمد اول

است. این روزها در سراسر جهان مبارک و پیروز باد!

کارگران ایران حسن اول ماه را

امسال در سایه بصورتی برگزار میکنند.

مردم ما در سال گذشته، سن اسراروری بر

دربار رضا شاه سلطوی و سرکون سا حسن سلطنت

مخوس ۲۵۰۰ ساله، مبارزات زیادی کرده

و سرورینهای بسیاری را بدست آورده اند.

مردم ما کسب اسرارورینی در باره ریشه لوی

انسان را آفریده اند که همه حواسهای انسانی

نشان بر آورده بود، با روی کار آمدن دولت

سارنگاران و کسانیکه بعد از پیروزیهای

هنکاری و جاسوسی برای امپریالیسم

آمریکا معلوم شد، دیدند که در سراسر

حواصداها بر آورده شده، بلکه دولت سارن

کارمندان و دهدهای تمام مومسار را ب

آنها را بیکسرد و بیخس دلیل نه مبارزات

خود برای آدامه انقلاب آدامه دادند و می

دهند. طبعه کارگران ایران، کدیس اره

کس سره، روح و بدبختی را حیدده و

سسرار رهکن یا زور و حیا و ل و عسارت را

بحمل کرده است. در این مبارزات نفس

سپار را بسدای داس و بدمبارزه ای برای

ببست آوردن حقوق اقتصادی و سیاسی خویش

کدار حقوق و حواسدهای بنده مردم جدا نیست

آدامه مدد دویا لاره در سابه این مبارزه و

کوس بواسب موقعیت هانی بدست آورد.

منخرسین رویدا دمبارزه ای سال گذشته

ملت ما به این پیروزی بزرگ دست یابد، باین دلیل در دست برده و دورا رحم مردم بولنته می -

۱۱ اردیبهشت امسال را به روز پیوند مبارزات کارگری با مبارزات ضد امپریالیستی، به روز پیوند مبارزه از شوراها ی کارگری و آدامه و گسترش مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا تبدیل کنیم و بسا صوفی فشرده و یکپارچه این مراسم را با شکوه هر چه تما متر برگزار نمائیم.



سارنگاران و ولیرالهای حاکم که در عرص یکسال و خرده ای گذشته هموار با امپریالیسم حاینگا ر آمریکا، دشمن اصلی انقلاب و رخنگان ایران، دصاری سان داده -

۱ - معارفه، محاکمه و مجازات کلیه عناصر و مزدوران سرسپرده رژیم مخلوع شاه. ۲ - کویا سا حسن دست نشودالیا و رمینداران بزرگ اروپا های اسپران و انخام اصلا با ارضی انقلابی و بدست انجمن های دهقانی. ۳ - آموزش نظامی و مسلح حلقه و مخصوص رخنگان برای حراست ارا انقلاب و منین. ۴ - برسمت سا حسن نظارت و باره رسی کارگری در همه مورکا رجا نجاب ارضی سورا های واقعی کارگری. ۵ - بدوس نا یون دمورکا نیک کار بر نظارت نما بندگان کارگران همه گسار -

۶ - برسمت سا حسن حق اعتصاب، احصا عاب و سکیلات کارگری. ۷ - برسمت سا حسن آزادی های دمورکراسک مانند آزادی سان، عقیده و اجتماعات. ۸ - کار برای بیکاران ببدون سرمایه های امپریالیستی. ۹ - بردا حرا حقون بیکاری به کارخان بیکار، بدون اسباب و بیمه شدن همه کارگران بخرج دولت و کارفرما. ۱۰ - انرا سن دسمرد کارخان بر منای بالارنس هر بیدردکنی و تدوین مایطه صحیح در این مورد. ۱۱ - ساعت کار در روز و ه ساعت کار در هفته. ۱۲ - رسمی بدن کارگران بیمانی و اسفا دهه رنما مزایای کارکنان دولت. ۱۳ - بدوین یک برما مه با زبستکنی و بردا حق حقو آن در نا رنشان. ۱۴ - رعایت کلیه موازین ایمنی در کارخانجا. ۱۵ - ساعت کار در روز و ه ساعت کار در هفته.

بوی سرن همردید حرقی نبرد، اما اگر کارگر در برابر کارفرما با یسد و محکم حق حسود و برادران و حوا حراس را طلب کند، آتوسب بدها و منکوسب " خرج و مرچ طلب " و " برهم رسده نظم ". سورا های کارگری خارای هسدد در جمعا ررما و دولت مدافع کارفرما، آنها مجوا هندسورا در کارخانه سبنا کار - برما و ورا رت کار همدست کارفرما سبنا سبنا حبال راحت سرکارگران را سبده سمالند و حق آنها را بچورید. سورا ها کار بونهای مبارزات ندا مریالیستی کارگران بند و آتوسب بیخدر میگوید برای مبارزه ضد امپریالیستی با سد سورا ها را برسد. سن برما ست کد در این روز همیسکی و اتحاد طبعه کارگران ایران و سورا - سرجیان، بد دفاع اردسا و دهان سان سر - حیریم و آجاره هدیم که آنها را لکدمال کنند. برچیدن سورا ها قدم اول برای برچیدن هر مبارزه و حواسده کارگری است و وظیفه همه ما ست کد در برابر این حملات ضد کارگری مقاومت کرده، آجا رده هدیم سورا ها نمان را برچینند، اول ماه مه، کد روز همیسکی کارگران سراسر ایران بیرهست، با یسد روز مبارزه برای بواظبت و کسرسین دسا و بده های کارگری و مخصوص دفاع ارسورا حاسای کارگری با سد.

سیاست ضد کارگری محافل حاکم... ۱ - کارگران ایران در سال گذشته بزرگ کوس و مبارزه، خود سوا سسند در بسیاری از کارخانه سورا های اصل کارگری سراسر کسند و با نکیه بر این شکل کارگری حق خود را از کارفرما طلب کنند. پیروزی های خوبی سربست بسا و رید. این سورا ها محکم هم کارگران و کار بونهای مبارزات ضد امپریالیستی - فدسما به داری و دمورکراسک کار - گران هسند و آنها را بیدنه هر تیمت سوا - طلب و نگیداری کرد. اما " سورا ی انقلاب " و حسن سمدرا رجا کده مدافع سرمایه داران کار می کنند. میچوا هند بدهها سد مبارزه ضد آمریکا تی، این سورا ها را ارسین سیرسد و اس السلحه عرب را ارسب کارگران بکیرسد و آنها را در سراسر کارفرما حلق سلاح بساند. سیدمدر، کد خودی دسال سارس آمریکا - ست، میگوید برای مبارزه علیه آمریکا با بدولت در انالا برده برای نالا بردن بولنته سورا های کارگری را برهمرد. او منگوید سورا های کارگری محالف " نظم " هسند و خرج و مرچ بدار آورده اند. اما همه میدا سم کد بزرگ و خود همس سورا ها و مبارزه متحدانه کارگران بوده که سوا - سسه با همسین موقعیت های فعلی را همس بدست آوریم و آن سورا ها سبده و ما سزا کده بودیم، کارفرما به حرفمان حتی کوس هم سمداد. " نظم " برای سیدر بعضی ایتمه کارگرسین را با تین سبنا سارا دو کارکنان

شوراهای کارگری، کانونهای مبارزه ضد امپریالیستی کارگرانند. حمله به شوراها، حمله به مبارزه ضد امپریالیستی است.

دشمنان دوست نه‌ای طبقه کارگر را بشناسیم



یک سکیلا زهتری کننده و میچیننده...
ندارد. تا زمانیکه کارگران در جاده‌های و
تفرقه‌بندی برسد، دشمن حکومت میکند.
حال که کارگران کشورهای مختلف
دارای یک مصالح واحد هستند یعنی دسیمی
با سرمایه‌داری - چرا منفرق و پراکنده بسز
می‌برسد؟ رمانتی بود که کارگران کشورهای
مختلف در تشکیل اتحادیه‌های ملی مشکل
بودند، و بخاطر آن دورهبیری انقلابی نشان
توانسته بودند پیروزی‌های زیادی بدست
آورند. حتی برخی کشورهای ملل را ریوگ
سرمایه‌داری آزاد را زنده و حکومت واقعی
کارگری را تشکیل دهند. مثلا کارگران روسی
با انقلاب خود در ۶۳ سال پیش توانستند
اولین حکومت کارگری را تشکیل دهند. هم -
چنین در کورچین که بیش از ۱۲ میلیون
جمعیت دارد، بیش از ۳۰ سال پیش کارگران
چینی در اتحادیه‌ها و زحمتکشان آن
کشور قیام کردند و انقلاب جدیدی ساله خود را
با ایجاد یک حکومت دمکراتیک نوین و تگذار
به سوی سوسیالیسم پیروزی رسانند. حتی
زمانی رسیده بود که حکومت‌های کارگری
بیش از نیمی از افراد بشریت را از استثمار
سرمایه‌داری نجات داده بودند. قدرت طبقه
کارگر چنین بود.

ولی امروز چگونه؟

امروز اکثر پیروزی‌های طبقه کارگر
که در طی ۷۰ سال گذشته با جانفشانی‌ها و
شهادت‌های و مغانا پذیری بدست آمده بود،
از بین رفته است. و مهمترین آن تبدیل
دولت‌های کارگری و خلقی شوروی و چین و
اروپای شرقی به دولت‌های ضد کارگری و ضد
خلق می‌باشد. مثلا کشور انقلابی شوروی
زمان استالین و لنین بعنوان مهد آزادی و
مبارزه با فاشیسم و تاجا و زگری و امپریالیسم
بحساب می‌آمد. ولی امروزه با روی کار آمدن
فدا انقلاب در راستای این دولت، ما شاهد یک
دولت امپریالیستی هستیم، ما شاهد تاجا و ز-
گری این دولت به ملت‌ها در افغان می -
باشیم. و با چین توده‌ای که تا زمانیکه
شخصیتی انقلابی چون مائو در راستای آن بود
همواره در رکن طبقه کارگر چینی و ملل
ستمدیده قرار داشت و متحدان بود. ولی
امروزه پس از یک کودتا با روی کار آمدن
داوودستان‌های ضد انقلابی و ضد کارگری، "چین
توده‌ای" به همدست و متحد امپریالیسم
امریکا تبدیل شده است. امروزه هم در شوروی
و هم در چین کنونی طبقه کارگر دیگر حکومت
نمی‌کند و خود بی‌سرمایه‌داری را استثمار
میکرد. سرمایه‌داری که تنها فرقی با
نوع اروپائی و آمریکائی در این است که از
لقب‌ها و شعارهای کارگری و کمونیستی
استفاده میکنند و بنا به طبقه کارگر طبقه
کارگر حکومت میکنند. همانطوریکه مثلاً در یک
اعتقاد پیروزمند کارگری اگر رهبرای این
اعتقاد خود را به سرمایه‌داری باغروشنه و
میوه‌های اعتقاد را برای خود بچینند و خیا -
نت کنند، هیچگاه نخواهند گفت که ضد کارگر
شده‌اند، این رهبران کنونی خائن شوروی
و چین نیز با سوءاستفاده از کلمات و عبارات
کارگری و مارکسیستی، بر ضد کارگران و
انقلابیون کشورهای خود نیز بر علیه خلق‌های
مبارزه می‌کنند و آن‌ها را سرکوب می -
نمایند.

اینجا و آنجا افرادی را ضد کارگر و نواز
همه‌جایی خبر پیدا می‌شوند که از این فرصت
سوءاستفاده کرده و با نشان دادن خرابکاریها
و جنایات این حکومت‌های سوسیالیست نما،

می‌کوشند تا سرمایه‌داری و سوسیالیسم و
رهبران و اتحادیه‌های و راستین آن ربط
دهند. تاجا و رجا بیگانه را به شوروی مدکمیونست
و کارگر نما بر علیه خلق ستم‌دیده‌ها در افغان
را بعنوان "جناور کمونیسم" جای می‌زنند و
همکاری‌های همه‌جانبه‌چنین در طرا حرکتی -
بست با امپریالیسم آمریکا و سوسیالیسم
بین‌المللی را بعنوان "وحدت کمونیسم و
امپریالیسم" نشان میدهند. عامل‌های این
کنه‌سوروی و سه‌جیبی، علی‌رغم ادعاهای
سوالیسان کمونیست و کارگری نیستند.
شوروی به یک ابرقدرت امپریالیستی و حین
به یک قدرت ضد خلقی و سرمایه‌داری تبدیل
شده است.

طبقه کارگر ایران اگر میخواهد به
عنوان یک عضو از خانواده بین‌المللی کار -
گران به مبارزه خود ادامه دهد و هم‌درد همه
خلق‌ها و ملل ستم‌دیده‌ها را انقلاب‌کننده و
ریسه‌های استعمار امپریالیسم را بکشاند،
با ی‌دوست و دشمن، متحدین و مخالفین،
انقلابیون و نفاق‌هاکنان ضد کارگر خوب
بشناسد. شوروی کنونی نه‌کمونیست کارگری و
نه‌کمونیستی، و اگر بود، نه‌به خلق افغان -
نشان تاجا و زمیکرد و نه‌با امپریالیسم
آمریکا سر یک میز می‌نشیند تا دنیا را برای
جسول و غارت خود تقسیم نماید. و همین‌طور
عوامل این کشور در ایران یعنی آنانی که
امروزه برخود نام حزب توده را می‌گذارند، و
مزورانه میکوشند انقلاب ایران را به‌مدار
منافع امپریالیستی شوروی کنونی بکنند -
نند، هوا در طبقه کارگر و کمونیسم نبوده، بلکه

می‌کوشند تا سرمایه‌داری و سوسیالیسم و رهبران و اتحادیه‌های و راستین آن ربط دهند. تاجا و رجا بیگانه را به شوروی مدکمیونست و کارگر نما بر علیه خلق ستم‌دیده‌ها در افغان را بعنوان "جناور کمونیسم" جای می‌زنند و همکاری‌های همه‌جانبه‌چنین در طرا حرکتی - بست با امپریالیسم آمریکا و سوسیالیسم بین‌المللی را بعنوان "وحدت کمونیسم و امپریالیسم" نشان میدهند. عامل‌های این کنه‌سوروی و سه‌جیبی، علی‌رغم ادعاهای سوالیسان کمونیست و کارگری نیستند. شوروی به یک ابرقدرت امپریالیستی و حین به یک قدرت ضد خلقی و سرمایه‌داری تبدیل شده است.

سیاست ضد کارگری...

که توسط آنان، کارگران را استثمار می -
کردند، گویا که هیچ اتفاقی در این کشور
نیفتاده، همه‌جانبه‌چنین در تقسیم
سودویزه که عینا همان آتشین نامه‌های
دوران آریا مهر به اجرا گذاشته‌اند.
سازندگان و لیبرال‌ها، این میوه -
چین انقلاب، در سال گذشته با رها دست‌سور
سرکوب‌های، تحصن‌ها و تظاهرات‌های
کارگری را مادی کرده و بر علیه مبارزات کار -
گران توطئه‌چیدند. در سال گذشته نیز جیبش
کارگری ایران با خون شهدایی چون ناصر
توفیقیان به پیش رفت. هر بار که کارگران
بیگانه برای احقاق حقوق خود دست به مبارزه
زدند، هم‌پا و عده و وعده‌ها ۳- بدست‌ان
روبروشند، خانه کارگر را از دست کارگران
در آوردند و آن را تعطیل نمودند. بر علیه
شوراهای کارگری ای که واقعا منافع کار -
گران را در نظر داشته و برای کارگران مبارزه
می‌کردند سیسه‌چینی و توطئه‌ریزی نمودند.
سازندگان و وفدا انقلابیون بروشی و وقاح
را بداند که در اندک در کنه‌موا رده‌تیمت "ضد
انقلابی" و "آمریکائی" بر کارگران مهربان
ایران کوبیدند، برجسب‌ها و تهمتهای بی‌گانه
فقط به خودشان می‌چسبند و از ما هیئت صدکار -
گری‌شان برمی‌خیزد.
دولت ضد انقلابی حاکم کوشش زیادی
میکند تا دستاورد های انقلابی کارگران را از
دستان بر ببرد. کارگران قهرمان با حربه
اعتقاد بود که صریحاً ستکینی بر رژیم محمد -
رضا شاه‌خائن وارد کردند. دولت کنونی در
سال گذشته با رها کوشیده است تا این حربه
موتور کارگران، یعنی اعتقاد را از رجا
آنها بر ببرد. اعتقاد سلاح برنده طبقه کارگر

دشمنان سرخ‌انها بند.
با لطف طبقه کارگر ایران هیچگاه
مجاهدت‌ها و رسالت‌های سوده‌ای‌های ۳۰ سال
بیس‌ترا از یادخواهد برد، و علی‌رغم سنا -
ها تی که حزب توده در گذشته سمبود، از آن
گذشته طرفداری و جا بیداری همراه با اتحاد
خواهد کرد. ولیکنی همانا که سوری امر -
یا لیستی کسوی با سوری انقلابی گذشته
صدها دریا از هم‌پا صله‌دارند، حزب توده مردور
و خائن کسوی سرکه تحت لوای دمساع از
انقلاب و کارگران رسته‌سازی برای ارباب
خود می‌کند، با حزب توده گذشته فرسکه
فاصله دارد.

طبقه کارگر ایران برای انجام
رسالت تاریخی خود می‌بایست دوستان
واقعی و دشمنان رنکار یک خود را در عرصه
داخلی و خارجی خوب شناسایی نماید. خوب
بسیار سده‌چینا ناب مزدور و وابسته‌ای چون
رهبران حزب توده علی‌رغم تمام طرافریبی
هایشان کاری جز زمینه‌چینی برای ارباب
خود نمی‌کنند. خوب بی‌سنا سده‌چینا سوری
امروزی دیگر مدافع راستین انقلاب ستم -
دیدگان نبوده بلکه یک قدرت تاجا و زگری
کارگری است که ما شاهد آمریکائی جنا بکتا رهم
مردم خود را استثمار میکند و هم‌علیه ملل
ستمدیده توطئه‌چینی و تاجا و زمینما بند.

ملت ما امروزه علیه امپریالیسم
آمریکا به پا خاسته است. و این مبارزه مقدس
وملی خود را تا به آخر با ید به پیش برد. ولی
در عین حال هیچگاه فراموش نخواهد نمود که
ابرقدرت شوروی سیزد کمین‌نست‌ها است تا
انقلاب ایران را شکست بکشد.

برای مبارزه و احقاق حقوق خود می‌باید. حق
اعتقاد می‌بایستی برای کارگران در سرنوچه
خواست‌های دمکراتیک‌شان قرار گیرد و
رسم و علنا مسجل گردد، ولی دولت ضد انقلابی
با لعن از هر موعبتی سود می‌جوید تا این
حی مسلم کارگران را نکندال کند.

بحران اقتصادی در سال گذشته تشدید
یافته و بیشترین فساد را بردوش کارگران
ناغل و بیگانه‌ها روا کرده است. کرائی و تورم
بیدا دمیکند، بیگاری افزایش یافته است،
مسکن بی‌اندازه یکی از دردهای مزمن
اجتماع و بخصوص

اجتماع و بخصوص برای کارگران و زحمتکشان
است. دولت به جای آنکه به سینه‌ها تلافی
هرگز از این انتظار نیست، با زدن با یه -
های وابستگی، داغان کردن سیستم بیمه -
فئودالی و بزرگی مالکی موجود در روستا و...
به حل سزیم بحران بپردازد، با لعن دست
غارتگران سرمایه‌داری و فئودال را باز گذاشته
است. بجای سرکوب فئودال‌ها، به سرکوب
جنبش‌ها در افغان تا بلند شده، بجای مجساراب
محتکرین بزرگ به جان خرده‌فروشان می‌افتد
به جای مبارزه سرمایه‌داری و سرمایه‌داری و وابسته
به جنبش کارگری و شوراهای واقعی کارگران
حمله می‌برد، به جای حل انقلابی مساله بی -
کاری با زکا شدن دست سرمایه‌داری داران
وابسته شکل بیگاری تشدید می‌یابد و...
وزمانیکه خود کارگران و زحمتکشان هم‌مثلا
دست به مبارزه‌آنها بر تمانهای رفیع سرمایه -
داران قرار می‌زنند، با زنیب‌های مسلح
دولتی هستند که بر سر کارگران و زحمتکشان
خراب میشوند. بحران اقتصادی عمیق‌تر
می‌شود و زحمتکشان و بیوین کارگران فشار
بیشتری را متحمل می‌کنند.

دولت کنونی بجای پاسخ صریح و
آسکا ربه خواسته‌های کارگران و زحمتکشان،

کارگران ایران، خواهان حق تعیین سرنوشت برای همه خلق‌های ایران و
خود مختاری برای خلق کرده‌اند.

شعارهای

کارگران در



چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

شماره ۶

نیست ، زیرا مبارزه اقتصادی و سیاسی تنها دو جنبه از مبارزه ما را تشکیل می دهند . سرمایه داران در مبارزه برای منافع خودشان ، غیر از قدرت اقتصادی و سیاسی به قدرت فرهنگی و ایدئولوژیک نیز متکی هستند و با تبلیغات کثیف و دروغین خود امکارا معرا منحرف کرده ، جنین وانمود میکنند که حکومت آنها درست و حق طبیعی و حادادی آنهاست . آنها میگویند ، کارگر بماند ، زیرا کارگر متولد شده و وظیفه اش هم در جامعه کار کردن است و آنها با بیدار کردن داریمانند ، زیرا سرمایه دارت بدتر است و اگر آنها نباشند جرحهای جامعه حرکت باز خواهد ایستاد . آنها میگویند کارگران احق و بی سؤدد و بی نعمینو نند غیر از کارگری ، کارگری را نته با هندو متلا ادهای حکومت یا سرک در حکومت را بکنند . آنها بدین ترتیب افکار جامعه را مسموم میکنند و بسرا ی جباول گیری های خود حقانیت درست میکنند . پس کارگران سیربا بدحقانیت خواسته های خود را در این عرصه سیربا نیت برسانند و تبلیغات کثیف و دروغین سرمایه داران را مسمی نمایند . این جنین مسموم کننده را ، مژده فرهنگی و ایدئولوژیک بوده ، یکی از سطحهای طبقه کارگر میباشد .

سازگرم سرمایه داران ، دارای قدرت و سکیلات اقتصادی ، سیاسی و ایدئولوژیک هستند و سکیله برای قدرت و سکیلات حاکمیت و حصار خود را ادا می دهند ، طبقه کارگر سیربا در همه این عرصه های اقتصادی ، سیاسی و ایدئولوژیک خود را با مانده و سیربا سرمایه داران سرچهره ، سرمایه داران برای سازمان دادن درت خود و حفظ آن سکیلات خاص خود را دارند و کارگران سیربا مظهر مبارزه سیربا منافع خود و همه رحمان جامعه ، باید سکیلات خاص خود را بسازند .

سکیلات خاص طبقه کارگر ، سعی سکلاسی که سواد مازده طلبی و سیاسی و ایدئولوژیک طبقه کارگر را متحد و سازماندهی کند ، هیچ نسبت مخرب طبقه

مبارزه ضد امپریالیستی :

- ۱ - کارگران ایران ، ایران را گورستان امپریالیسم آمریکا میکنند .
 - ۲ - هفتاد هزار کشته ، صدها هزار زخمی / هرگز مبادا زش ، هرگز مبادا تسلیم .
 - ۳ - مرگ بر آمریکا ، ننگ بر سا زشکار .
 - ۴ - نه سازش ، نه تسلیم ، نبرد با آمریکا / متحد و مسلح نبرد با آمریکا .
 - ۵ - تا قطع همه ریشه های وابستگی به امپریالیسم ، مبارزه را ادا مدهیم .
- مبارزات دموکراتیک و اقتصادی کارگران :
- ۱ - شورا های کارگری ، کانونهای مبارزه ضد امپریالیستی کارگرانند ، حمله به شوراها ، حمله به مبارزه ضد امپریالیستی است .
 - ۲ - اعتصاب ، تحصن و مبارزه علیه سرمایه داران حق مسلم کارگران است .
- حمایت از دهقانان :
- ۱ - پیروزی با دصف متحد کارگران و دهقانان بر علیه سرمایه داران وابسته و فئودالها ، پایگاههای داخلی امپریالیسم .
 - ۲ - کارگران ایران ، دهقانان را در برابر فئودالها تنها نمی گذارند .
- انترناسیونالیستی :
- ۱ - کارگران سرتا سرجهان متحد شوید .
 - ۲ - پیروزی با دمبارزات آزادیبخش خلقهای برادر فلسطین ، عراق ، افغانستان و عمان .
 - ۳ - کارگران ایران ، تجا و نظمی شوروی را به افغانستان محکوم میکنند .
- ملیت های ایران :
- ۱ - نابود باد آتش فروزی جنگ طلبان در کردستان .
 - ۲ - کارگران ایران ، خواهان حق تعیین سرنوشت برای همه خلقهای ایران و خود مختاری برای خلق کردهستند .

کارگران با پیدا آغوش با زانین قبیل روشنفکران انقلابی که هدفی مگر خدمت به کارگران ندارند استقبال کنند و آنچه را که خود ، بخاطر شرایط زندگی و محرومیت های فرهنگی شان نمیدانند از آنها یاد بگیرند و آنچه را که آنها نمیدانند به آنها یاد دهند و با یکدیگر یک وحدت انقلابی و کارگری بوجود آورند . اما در اینجا نیز برخی از روشنفکران بر مدعا خود و خواه هستند که فکر میکنند ، طبقه کارگر به کمک این روشنفکران انقلابی و کمونیست احتیاجی ندارد و میخواهند طبقه کارگر فقط به آنها گوش دهد و به همین منظور بر علیه روشنفکران انقلابی و کمونیست بدگویی میکنند و میگویند : خواهانند بین کارگران و رفقای روشنفکران آنها اختلاف و کافاندازند . کارگران آگاه با پیدا این تبلیغات را خنثی کرده و به این قبیل روشنفکران آموزش دهند و آنها را تربیت کنند دست از این تفرقه افکنی ها بردارند . زیرا نتیجه این تبلیغات مضر ، فقط بسود سرمایه داران تمام میشود ، زیرا آنها نیز میخواهند که این روشنفکران کمونیست با کارگران شانس بگیرند و آنها را آگاهانند .

با فرارسیدن عید کارگران جهان ، اول ماه مه (۱۱ اردیبهست) جا دارد که دست در دست یکدیگر به مبارزه برای ایجاد حزب طبقه کارگر و پیمان دادن بیدار کنند کی خودمان سیربا زمین و با ایجاد این حزب کامیونر و اساسی را در راه پیروزی نهائی انقلاب و اساسین منافع رحمان برداریم . به امید نیروی که طبقه کارگر ایران ، ریر برحما انقلابی حزب خود متحد و منسکل کرده و قدرت واقعی خویش را به همه جبا و لکران و سرمایه داران نشان دهند !

حاره رنجبران وحدت و تشکیلات است ! *

استفاده نمایند . برای همین سرمایه داران نیز توطئه های جدیدی تدوین کرده و برخی از عوامل کارگر نمای خود را جلوانداخته ، به دست آنها احزاب با صلاح کارگری درست میکنند و بعد موافقت میکنند که کارگران وارد این احزاب دروغی شوند تا بشوایند مثل گذشته بر آنها حکومت نمایند . این قبیل احزاب ، احزاب طبقه کارگر نیستند و بلکه احزاب سرمایه داران هستند که خود را به شکل کارگران در آورده اند . از این قبیل احزاب سرمایه داران در همه کشورها بوجود آورده اند و حتی در بعضی از کشورها شی کسه کارگران انقلاب کرده و پیروز شده اند (خون سوری) توانسته اند با استفاده از زمین عوامل دور و دریا کار ، دوباره بر سر کار بیایند . پس کارگران با بدسخن موافقت این توطئه ها با سند و بهیچ نمی فرسب این ریاکاران ، که هیچ نیسند مگر نوکران سرمایه داران ، را نخورند . در کشور خود مان نمونه این احزاب ، یکی حزب سوده است که نوکر سرمایه داران روسی بوده و میخواهد سلطه سیربا لیسروسیه را بجای آمریکا در کشور ما حاکم کرد . با پیدا این قبیل احزاب دور و درخت و آنها را آگاه کرد . سعی جریبا ت روسفکری هم هستند که خود مان را حاکم کارگران کند ، به اسم آنها حزب درست کرده اند و سیربا کارگران می گویند که ما حزب سما هستیم . در حالیکه کارگران حزب مماندند که حری که اردل مبارزه خود مان سیربا مدهد ، حزب آنها نیست و سیربا سلس احزاب دلالی هم ساختاری دادند .

حزب طبقه کارگر را در مسار راه طبع کارگران مآند ، وساری هم اردو سیربا انقلابی و کمونیست رندکی خود را در این راه کداسد در میان طبقه کارگر و سیربا دین او در این راه مبارزه میکنند .

کارگر . گفتیم که سرمایه داران فقط به قدرت اقتصادی نشان متکی نیستند و بیسی از این بروی قدرت سیاسی و امکانات ناشی از آن تکیه میکنند . پس مبارزه صرفا اقتصادی ، و تشکیلاتی که هدفش صرفا سازمان دادن مبارزه اقتصادی باشد (سند یکا های صنفی و اقتصادی) نمیتواند یک مبارزه همه جا نبره بر علیه سرمایه داران و به نفع طبقه کارگر به پیش ببرند . بلکه این مبارزه اقتصادی با بیدار پر تو مبارزه سیاسی و همرا ه با مبارزه ایدئولوژیک به پیش برده شود و تنها تشکیلاتی که میتواند مجموعه این عرصه های مبارزاتی را به یک دیگری پیوند دهد و آثر رهبری نماید ، حزب طبقه کارگر است .

سرمایه داران تشکیلات خود دور رهبری خود را دارند و طبقه کارگر نیز از این خواهد . مبارزه سیاسی موفق با نند ، با پیدا این حالت پراکنده و جدا از هم خارج شده ، زیر رهبری یک تشکیلات واحد متحد کرده . حزب طبقه کارگر ، ستاد فرماندهی اوست ، زیر اراد این حزب کارگری ، بهترین و بیشرترین کارگران جمع شده ، برای پیشبرد مبارزه کارگران و گرفتن حق آنها و همه زحمتکاران جامعه ، تفت و برنامهمی ریزند . سرمایه داران و صاحبان کارخانه های مخلف بسا یکدیگر همدست هستند و هر وقت که نیا زبا سد ، به کمک یکدیگر می آیند ، کارگران نیز با سد همدست شوند و در یک تشکیلات کارگری سیربا سیربا متحد کرده و جنین تشکیلاتی همانطور که گفتیم ، فقط حزب طبقه کارگر است .

اما سرمایه داران هم پس از سالها تجربه و دسیسه جینی بر علیه کارگران به این نیا زبا بی برده اند و میداندند که اگر طبقه کارگر حزب خود را درست کند ، دما را رورور کار آنها در خواهد آمد و ردودیکر نخواهد سیربا نست ابراکدکی و عدم تشکل آنها سیربا

کارگران ایران ، دهقانان را در برابر فئودالها تنها نمی گذارند .

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!



کارفرما ایستا دکی کند و حق خود را بخواد حد، کارفرما او را به وزارت کار رود و لوداد کستری و ارتش و زاندا رمری حواله میدهد و آنها بس به نفع کارفرما وارد صحنه شده، حساب کارگر را میروند.

بس اگر میخواهیم که ما هم در فکر طبقه خود باشیم، نمیتوانیم صرفاً به مبارزه اقتصادی کارفرما و سرما یه داران بپردازیم، زیرا مبارزه اقتصادی، یعنی مبارزه برای

بلکه سودا فزایش سرمایه است و هر کارگری خواست برای خواسته های مبارزه کند، فوراً او را اخراج کرده و حتی بزدان انداخته اند. آنها همچنین دیده اند که سرمایه دارها فقط جزئیات چیز و بیخوری و نمیری از سود کارخانه، که محصول مستقیم دسترنج آنهاست را بعنوان حقوق به آنها میدهند و بقیه اش را به جیب خود سرا زیر میکنند. پس کارخانه دار کارخانه را نه برای منفعت کل جامعه،

با فرارسیدن عید کارگران جهان، اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) جادار که دست در دست یکدیگر براه مبارزه برای ایجاد حزب طبقه کارگر و پویان دادن به پراکندگی خودمان بپردازیم و با ایجاد این حزب گامی بزرگ و اساسی را در راه پیروزی نهائی انقلاب و تامین منافع زحمتکشان برداریم. به امید آرزوی کوه طبقه کارگرایران، زیر پرچم انقلابی حزب خود متحد و متشکل گرد و قدرت واقعی خویش را به همه چپا و لگران و سرما یه داران نشان دهد.

خانه اش را درست کرده و ماشین هست، چون او کارخانه اش را راه انداخته است. پس او مدافع منافع خودش نیست و بلکه مدافع منافع همه جامعه است و همه مردم باید از او تشکر کنند و به او و مدیون هم باشند.

اما کارگران آگاه که سالها زیر ظلم و ستم و استثمار سرما یه داران بوده اند می دانند که این ادعای کارفرما یک دروغ محض است. آنها این حقیقت را در زندگی شان آموخته اند. دیده اند که چگونه سرما یه داران از قبل کار روزگاری آنها روز به روز شرو و تنگتر شده و سود کارخانه را به جیب خود سرا زیر کرده است. آنها دیده اند که آنچه برای این سرما یه دارها سهم است نه زندگی کارگران،

جامعه به طبقات تقسیم می شود و هر طبقه ای برای منافع خود مبارزه میکند. اینرا اگر به یک کارفرما یا صاحب کارخانه بگوئید، مطمئناً خواهد گفت که حرف نا درستی است و او هدفش نه خدمت به طبقه سرما یه داران، بلکه خدمت به کل جامعه است. او به شما خواهد گفت که کارخانه اش را نه برای منفعت شخصی، بلکه برای منفعت کل جامعه ایجاد کرده است و اگر کارخانه او نبود، شما هم کار نداشتید و اگر کار نداشتید حقوق هم نداشتید و نمی توانستید زندگی خودتان را بگذرانید. او به شما خواهد گفت که اگر کارخانه او و کارخانه های سرما یه داران دیگر نبود، کالا در بازار پیدا نمی شد، کفش هست چون او کار

سیاست ضد کارگری محافل حاکم در یک سال گذشته

است، نه تنها وضعی به خواسته های کارگران تا غل و بیبیکار و سوزناکشان در جامعه در این مدت نگذاشته است، بلکه با پروشی و بی شرمی تمام این مبارزات را سرکوب نموده است.

دولت سازشکار و "نورای انقلابی" در برابر جنبش کارگری و خواسته های بحق کارگران همواره روشی خصمانه و ضد انقلابی اتخاذ نموده است. کارگران مبارز می بینند که نقش مهم در برابر انداختن رژیم شاه را شستند، بعد از قیام نیز مجبور بودند تا با قوا نیسن دوران "آریا مهر" مبارزه کنند، سردمداران دولت ضد انقلابی همان قوانین طاغوتی کار را برخ کارگران میکشیدند و با مواد در تجمعاتی چون ماده ۳۳ قانون کار، دست کارفرمایان ضد کارگر را در سرکوب و اذیت و آزار کارگران بازگذاشته و عملاً کمک آنان می شتافتند. سردمداران دولت ضد انقلابی، سازشکاران و لیبرالها، همان آئین نامه های طاغوتی را

طبقه کارگر قهرمان ایران که در زمان رژیم ضد کارگری شاه مورد بدترین ستم و محرومیت قرار گرفته بود، با شرکت فعالانسه و وسیع خود در مبارزات و اعتصابات ضربات کوبنده ای بر پیکر رژیم شاه وارد ساخت و در همه گیر شدن مبارزات و تقویت آن نقش مثبت و سهمی ایفاء نمود. با بستن شیرهای نفت از جانب کارگران قهرمان صنعت نفت، مانع خروج و غارت نفت بدست امپریالیستها گردیدند و صریحاً مملکتی بر یکی از ستون های اتکا رژیم شاه وارد کردند. بیگ کلام کارگران قهرمان ایران یکی از مهم ترین نیروهای بودند که باعث سقوط رژیم شاه شدند و هنوز هم در دستهای گردید.

ولی طبقه کارگر با این همه جانفشانی بخاطر ضعف های اساسی در انداختن تشکیلات واقعی کارگری، نتوانست از انقلاب بهره شایسته و در خور خود را دریا مت دارد. دولتی که پس از برچیدن دستگاه خونخوا رسلطنت بدست پرتوان مردم، خود را بر مردم تحمیل کرده

افزایش حقوق، هر چند هم که موفق باشد با ز قاندر نخواهد بود تکلیف سرما یه داران را یک سره کند و حقوق اساسی زحمتکشان را تا همین نماید. کارفرما، در نهایت چند تومان به حقوق ما اضافه خواهد کرد و در مقابل قیمت اجناس را بالا خواهد برد و آنچه را که با یک دست به ما داده، با دست دیگری خواهد گرفت و از یک جیب در آورده به جیب دیگر خواهد ریخت. اینجاست که می بینیم هر چه حقوقمان هم بالا تر رود با وضع زندگیمان دگرگون نشده و به نسبت افزایش حقوق، هزینه زندگی هم بالا رفته است. سرما یه داران نمیتوانند اینکار را انجام دهند، زیرا با استفاده از امکانات اقتصادی وسیعی، یعنی با استفاده از قدرت اقتصادی سیاسی شان، به همراه هم دستا نشان بر کل جامعه حکومت کرده و آنرا کنترل می نمایند. پس ما حتی برای تامین خواسته های اقتصاد دیمان با لایحه مجبوریم، حکومت سیاسی این سرما یه داران و زمینداران بزرگ و سا یروم دستا نشان را از میان برداریم و حکومتی را بوجود آوریم که مدافع و نماینده منافع زحمتکشان باشد. بدین منظور است که باید علاوه بر مبارزه اقتصادی، به مبارزه سیاسی که بخش اصلی مبارزه است دست زنییم و تکلیف قدرت سیاسی این چپا و لگران را روشن بنماییم. اما اینهمه زکافی

کارگران سرتاسر جهان متحد شوید!

بعبه در صفحه ۵

بعبه در صفحه ۴